



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

یاد مولا حضرت صاحب الامر

(منه السلام)
وعلینا سلامه
وإليه التسليم)

سند واقعه:

- ۱- شیخ مجمود عراقی در کتاب دار السلام ص ۲۹۷ نقل کرده و علامه مجلسی در بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۸۹، روایت کرده از شیخ مفید و شیخ محمد بن مشهدی در مزار کبیر خود، و شیخ شهید اول در مزار، نقل کردند به اسانید خودشان از علی بن محمد بن عبد الرحمن شوشتری، که گفت:
- ۲- و نیز مرحوم آیت الله نهاوندی در کتاب عیقري الحسان ج ۲، الیاقوت الأحمر عبقرية پنجم یاقوته پنجم ص ۶۰، و مرحوم محدث نوری در نجم الثاقب- ص ۴۷۴ الی ۴۷۷ به نقل از سید جلیل، علی بن طاووس، در کتاب اقبال، از محمد بن ابی الرواد روایی نقل کرده که گفت:
- * البته این واقعه بخاطر اشتغال بر دعائی در ماه رجب و در مسجد صعصعة بن صوحان؛ در بسیاری از مجامع و کتب حدیث و فقه و دعا و زیارت نیز نقل شده است.

صاحب واقعه:

- ۱- این واقعه مکرر اتفاق افتاده هر چند جزئیات آن مشابه هم بوده است.
- ۲- هر دو واقعه به تنهایی و برای يك فرد اتفاق نیافتاده و این تشریف جمعی بوده است، البته به نظر می رسد برای یکی از آنها (محمد بن ابی الرواد روایی) مکرر و به تنهایی نیز اتفاق افتاده است.
- ۳- در نقل اول؛ جماعتی از بنی روّاس به همراه علی بن محمد بن عبدالرحمان شوشتری؛ به این تشریف نائل شده اند، در نقل دوم محمد بن ابی الرواد روایی به همراه محمد بن جعفر دهّان به این تشریف نائل شده است، و افزون بر اینها؛ محمد بن ابی الرواد روایی؛ به تنهایی و بطور مکرر نیز به این شرافت نائل شده است.
- ۴- افراد نقل اول واقعه به صاحب نقل دوم مراجعه نموده و درباره اش با هم مذاکره می نمایند، او که نظیر این واقعه را قبلا و مکررا داشته است، حضرتش را به آنها معرفی نموده؛ و آنها از طریق وی حضرتش را می شناسند.
- ۵- افراد نقل اول در حین تشریف حضرتش را نشناخته بودند، ولی افراد نقل دوم در آخر واقعه تشریف با معرفی حضرتش ایشان را می شناسند، و تشریفشان با معرفت شخصی همراه می باشد.

شرح واقعه:

(نقل اول) در میان قبیله بنی روّاس، بعض برادران دینی مذکور داشت که: ماه رجب ایّام طاعت و عبادت است، و مستحب است در آن زیارت این مواضع مشرفه که موالی (صلوات الله علیهم) قدمهای خود را در آنجا گذاردند و نماز کردند در آن، و مسجد صعصعه یکی از آنهاست. و مناسب آن است که به مسجد صعصعة بن صوحان برویم، و کاش می بردی ما را

به سوی مسجد صعصعه که نماز می کردیم در آن، زیرا که آن مسجد از اماکنی است که ائمه ما (علیهم السلام) در آن نماز کرده، و زیارت این اماکن در این اوقات مستحب است. پس با ایشان به مسجد مذکور رفتیم. در باب مسجد، اشتری زانو بسته پالان دار، خوابیده دیدیم. چون داخل مسجد شدیم، مردی دیدیم مانند ماه. لباس حجازی پوشیده و عمامه ای مانند عمامه اهل حجاز، بر سر داشت، و نشسته بود و این دعا (اللهم یا ذا المن السابغة...) می خواند. من و رفیقم هر دو آن را حفظ کردیم. بعد از آن، سجده طولانی بجا آورد و برخاست، و اشتر خود را سوار شد و برفت. پس رفیقم گفت که: این مرد خضر بود، وای بر ما که با او سخن نگفتیم؛ گویا که مهر بر دهان ما زده بودند که ما مبهوت شدیم و ملتفت نشدیم. پس بیرون آمده، بر (محمد) ابن ابی رواد رواسی برخوردیم. پرسید که: از کجا می آید؟ گفتیم: از مسجد صعصعه. و واقعه را به او نقل کردیم. گفت که: این مرد در هر دو روز یا سه روز، یکبار به این مسجد می آید و با کسی سخن نمی گوید. گفتیم: او چه کسی است؟ گفت: به گمان شما او کیست؟ گفتیم: ما او را خضر گمان کردیم. گفت: به خدا قسم یاد می کنم که: او به گمان من کسی است که خضر محتاج دیدن جمال او باشد، پس با هدایت و بصیرت باشید. رفیقم چون این بشنید، گفت: به خدا قسم یاد می کنم که هر آینه او صاحب الزمان (صلوات الله علیه) بود.



(نقل دوم) محمد بن ابی الرواد رواسی گفت: که او ذکر نمود که او بیرون رفت با محمد بن جعفر دهان به سوی مسجد سهله، در روزی از روزهای ماه رجب. محمد به او گفت: ما را ببر به مسجد صعصعه؛ که آن مسجد مبارکی است و امیر المؤمنین (صلوات الله علیه) در آنجا نماز کرده و حجج (علیهم السلام) قدمهای شریفه خود را در آنجا گذاشتند. پس میل کردیم به سوی آن مسجد. در بین نماز گزاردن بودیم، مردی را دیدیم که از شتر خود فرود آمد و در زیر سایه ها زانوی او را عقال کرد. آنگاه داخل شد و دو رکعت نماز کرد و طول داد آن دو رکعت را. آنگاه دستهای خود را بلند کرد و گفت: (اللهم یا ذا المن السابغة...)؛ تا آخر آنچه بیاید). آنگاه برخاست و رفت نزد شتر خود و بر او سوار شد. ابن جعفر دهان به من گفت: آیا

برنجیزیم و نرویم نزد او، پس سؤال کنیم از او که او کیست؟ پس برخاستیم و به نزد او رفتیم و به او گفتیم: تو را به خداوند قسم می دهیم که تو کیستی؟ فرمود: شما را قسم می دهم به خداوند که مرا کی پنداشتید؟ ابن جعفر دهان گفت: گمان کردم تو را خضر. پس به من فرمود: تو هم چنین گمان کردی؟ گفتیم: گمان کردم که تو خضری. فرمود: والله که من هر آینه آن کسی هستم که خضر محتاج است به دیدن او، برگردید که منم امام زمان شما.

(کاربرد دعا) مرحوم نهاوندی: علمای اعلام این دعا را در کتابهای مزار، از آداب مسجد صعصعه شمرند، در کتب ادعیه و اعمال سال، از جمله ادعیه ماه رجب دانستند؛ و این حکایت را گاهی در آنجا و گاهی در اینجا ذکر کردند. گویا احتمال دادند که خواندن آن جناب این دعا را در آنجا، به جهت خصوصیت مکان باشد. پس، از اعمال مسجد خواهد بود؛ و محتمل است که به جهت خصوصیت زمان باشد، پس از ادعیه ماه رجب باشد، و لهذا در هر دو جا ذکر فرموده اند و رأی اول به نظر اقوی است، اگر چه احتمال می رود که از ادعیه مطلقه باشد و اختصاصی به زمان یا مکان نداشته باشد. در صحیفه علویان از عبد الله علوی فاطمی نقل شده است که: هر چند خواندن این دعا بطور خصوص در مسجد صعصعه؛ و در ایام ماه رجب در هر جا؛ فضیلت دارد، ولی خواندن آن در هر وقت و هر جا بطور عموم نیز مستحب است.

(متن دعا) و متن این دعا که به دعای مهمّ رجبیه نیز معروف شده؛ (نقل تصحیح شده و کامل آن) چنین است:

اللّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ، وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنَّعْمِ الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ، يَا مَنْ لَا يَنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ، وَلَا يَمِثُلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يَغْلِبُ بِظَهِيرٍ، يَا مَنْ خَلَقَ فِرْقَ، وَأَلْهَمَ فَأَنْطَقَ، وَابْتَدَعَ فَشْرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ، وَمَنْحَ فَأَفْضَلَ، يَا مَنْ سَمَا فِي الْعَزِّ فَفَاتِ خَوَاطِرَ نَوَاطِرِ الْأَبْصَارِ، وَدَنَى فِي اللَّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمَلِكِ فَلَا نَدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كَبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَانْحَسَرَتْ دُونَ ادْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ، يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهَ لَهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابَ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خَيْفَتِهِ، أَسْئَلُكَ بِهَذِهِ الْمَدْحَةِ الَّتِي لَا تَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَبِمَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، وَأَبْصَرَ الْمَبْصُرِينَ، وَيَا أَنْظَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، يَا إِذَا الْقُوَّةَ الْمُتِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ التَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَنْ تَقْسَمَ لَنَا (X) وَأَقْسَمَ لِي) فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ، وَأَنْ تَحْتَمَ لِي (X) وَاحْتَمَ لِي) فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَتَحْتَمَ لِي (X) وَاحْتَمَ لِي) بِالسَّعَادَةِ فَيَمُنْ خَتَمْتَ، وَأَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا، وَأَمْتَنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا، وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مَسْأَلَةِ الْبَرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي مَنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَأَرْ عَيْنِي مَبْشَرًا وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ (X) جَنَاتِكَ) مَصِيرًا، وَعَيْشًا قَرِيرًا، وَمَلَكًا كَبِيرًا، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا، بِكْرَةً وَاصِيلًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِعَقْدِ عَزِّكَ عَلَى أَرْكَانِ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى رَحْمَتِكَ مِنْ كِتَابِكَ، وَاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، وَذَكَرِكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى، وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ كُلِّهَا، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَسْئَلُكَ مَا كَانَ أَوْفَى بِعَهْدِكَ وَأَقْضَى لِحَقِّكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَخَيْرًا لِي فِي الْمَعَادِ عِنْدَكَ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ، أَنْ تَعْطِينِي جَمِيعَ مَا أَحَبَّ، وَتَصْرِفَ عَنِّي جَمِيعَ مَا أَكْرَهَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

توضیح نکات و درسهایی این واقعه مبارکه

۱- **مسجد سهله** از مساجد معظمه الهیه است، که بعد از مشاهد حضرات معصومین و مساجد اربعه (مسجد الحرام - مسجد النبی - مسجد کوفه - مسجد اقصی) مهمترین و ارزشمندترین مسجد است، و در زمان ظهور حضرتش بجهت اختصاص آن به محل اقامت دائمی حضرتش؛ افضل بقاع زمین خواهد شد، شرح فضیلت این مسجد کتاب مستقلمی می طلبید، خداوند همه ما را از مشرفین و موفقین و محظوظین این مسجد معظم قرار دهد.

۲- **مسجد صعصعه** در نزدیکی مسجد سهله و فاصله صدمتری شرق آن واقع است، این مسجد منسوب به جناب صعصعه بن صوحان از اصحاب گرانقدر و باوقای حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله) و امام علی و امام حسن و امام حسین (علیه السلام) است. شخصیت صعصعه در حدی بوده است که مسجد او محل بیتوته و عبادت این یاریاوقای حضرت ولایت بوده است، و این قدر فضیلت دارد که حضرات معصومین از حضرت مولا علی (علیه السلام) تا حضرت مولا صاحب الامر (منه السلام) برای گذاردن نماز و انجام عبادت و مناجات به این مسجد تشریف می آورده اند. از این رو فضیلت این مسجد افزون شده و نه تنها قدمگاه حضرات معصومین و مولا صاحب الامر (علیهم السلام) می باشد، بلکه محل عبادت ایشان و از مشاهد انوار الهی می باشد، متأسفانه بسیاری از عوام زائران بخاطر بی اطلاعی دینی خود و روحانی کاروانشان و یا بی اهمتمی برخی متصدیان اداره کاروانهای زیارتی به امور معرفتی و معنوی؛ علیرغم رفتن به مسجد سهله و یا حتی عبور از کنار درب این مسجد (صعصعه) به زیارت و عبادت در این مسجد موفق نمی شوند.



۳- **صعصعه بن صوحان العبدي**: وی در سال ۲۴ قبل از هجرت در جزیره "دارین" منطقه قطیف شرق عربستان بدنیا آمده است، در زمان حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله) مسلمان شده است، وی از شخصیتهای بزرگ عرب در عصر خویش و از بزرگان علمی و دینی صدر اسلام می باشد، شخصیت ادبی و بلاغی و اوصاف حمیده وی توسط حضرت مولا و سایر معصومین (علیهم السلام) بارها ستوده شده، امام صادق درباره او گواهی داده اند که وی به حضرت مولا معرفت حقیقی داشته است، ماجرای اعتراض وی به قضاوت عمر و نیز داستان حقهگویی و تذکرات اصلاحی به عثمان معروف است، در زمان خلافت حضرت مولاعلی (علیه السلام) همراه با دو برادرش زید و سیحان در کوفه ساکن شدند، در جنگهای جمل و صفین و نهروان در رکاب مولا یاری و جانبازی نموده است، از طرف حضرت به عنوان فرستاده به شام و نزد معاویه رفت، جنان معاویه را تحت تأثیر گذاشت که گفت: آرزو می کردم از نسل او (صعصعه) بودم، از

طرف حضرت مولا مدتي براي ساماندهي حكومت ولايت فارس مأمور شد، از معدود افراڊي بوده است كه در تشييع و دفن حضرت مولا اجازه حضور داشته و روضه خواني نموده است، در صلح امام حسن عليه السلام، وي از شخصيتهايي بود كه نام او را حضرت جزو قرارداد صلح معين كرده بودند كه در امان باشد و معاويه متعرضشان نشود، حاكم معاويه در كوفه بامر معاويه او را به سب حضرت مولا واداشت و او ابا كرد، او را در بند به شام فرستادند، داستان ورودش بر معاويه و برخورد شجاعانه اش معروف است، معاويه چون از تهديد او نتيجه نگرفت به مغيرة دستور داد او را به جزيره بحرين تبعيد كند، وي در سال ۶۰ هجري در همانجا از دنيا رفت، مرقد وي در روستاي عسكر در جنوب شهر منامه پايتخت جزيره بحرين؛ مزار اهل معرفت و يقين مي باشد.



مرقد و مزار جناب صعصعة بن صوحان
در روستاي عسكر جنوب شهر منامه
پايتخت كشور بحرين

۴- در بخش "سند واقعه" تكميلي در توضيح سند واقعه قبالا بيان شد.

۵- در بخش "صاحب واقعه" توضيحي تفصيلي در كيفيت وقوع اين واقعه و تكرر آن و اصحاب هر يك از اينها بيان شد.

۶- در بخش "كاربرد دعا" نظر مختار بيان شده است كه محدوديتي در كاربرد اين دعاي شريف وجود ندارد.

۷- در سند واقعه ملاحظه كرديم كه چگونه عموم شييعان در طول قرنها؛ در فكر استفاده از هنگامهاي الهي (مثل ماه رجب) و مشاهد الهي بوده اند، و با شرايط سخت مسافرت و امنيت در قديم چگونه اين امر مهم را دنبال كرده و از هيچ زمينه توفيق معنوي غفلت نمي نموده اند.

۸- متن دعاي ارائه شده در اين مرسوله نسبت به كتابهاي ديگر؛ تصحيح شده و كامل مي باشد.

۹- در متن هر دو واقعه مي بينيم كه شييعان چگونه اهتمام به دريافت و حفظ معارف داشته اند، و با اينكه در وقت شنيدن دعا هنوز حضرت را نشناخته بودند، با اين حال؛ همگي فوراً آنها دقيقاً حفظ كرده اند، با اينكه متن كوتاهي نبوده است.

۱۰- **عمامة اهل حجاز**: عمامه اهل ايمان بدون تحت الحنك نمي باشد، حداقل تحت الحنك؛ يكي است كه از سمت راست و بر روي سینه رها مي شود، و انداختن تحت الحنك ديگر از سمت چپ و به پشت سر موجب تكميل فضيلت آنست، ولي برترين نوع تحت الحنك آنكه از سمت راست عمامه بپرون آيد و به زير گلو بر دور گردن پيچيده شده و در سمت چپ عمامه فرو برود، اين سنت معصومين عليهم السلام بوده است، و عمامه اهل حجاز در قديم بر همين نحو متداول بوده است. در اين واقعه نيز مي بينيم كه شيوه لباس حضرت به سبك حجاز و عمامه ايشان بر سبكي كه تشریح شد مي باشد.

والحمد لله رب العالمين